



وقتی فرد فقط مجری یک برنامه باشد، بسیاری از ایده‌هایش قابلیت اجرایی پیدا نمی‌کند، اما اگر تصمیم گیرنده نهایی باشد شاید اجرای این ایده‌ها درصد بالاتری پیدا کند. به همین دلیل است که مجری‌ها بعد از مدتی سراغ ساخت برنامه می‌روند

گفت و گو با عبدا... روا به بهانه اولین تجربه تهیه کنندگی اش

## تهیه کننده شدم تا ایده‌هایم را اجرا کنم



صادق پیرداری  
خبرنگار

«مجری و اجرا فقط یک اسم نیست، مجری باید بتواند در هر سبکی اجرا کند و فقط اینطور نیست که باد در گلو انداخته و بگوییم «مجری» هستیم». عبدا... روا، یکی از معدود افرادی است که به قول خودش، توانایی اجرا در حوزه‌های مختلف را دارد و انصافاً هم در سال‌های اخیر به همه ثابت کرده به معنای واقعی کلمه «توانایی» اجرای هر نوع برنامه‌ای را دارد؛ از برنامه‌هایی با سبک ویدئو چک گرفته تا «سلام صبح بخیر» که به قول خودش، سخت‌ترین تجربه کاری‌اش بوده است.

کردید، فکر می‌کنید با توجه به این که در قسمت‌های ابتدایی پخش هستید، مخاطبی را که فکر می‌کردید جذب کرده‌اید؟

معمولاً در برنامه‌های تلویزیونی، آن هم در ابعادی که ما کار می‌کنیم، در قسمت‌های ابتدایی به راحتی نمی‌شود درباره میزان مخاطب قضاوت کرد. یکی از روزهایی که برنامه پخش می‌شود، جمعه حدود ساعت ۱۳ است؛ به نظر تان ساعت پخش هم در میزان مخاطب «دوربرد» تأثیرگذار بوده است؟ به نظر من ساعت پخش یک برنامه، تضمینی برای بالا بودن مخاطب آن نیست؛ ممکن است برنامه‌ای که اتفاقاً نمونه‌های آن در تلویزیون هم موجود است، ساعت پخش بدی داشته باشد یا در شبکه‌ای پخش شود که مخاطب بالایی ندارد اما توانسته مخاطب خود را جذب کند که امیدوارم برنامه ما از این دسته باشد و مخاطب خود را هم جذب کند.

این برنامه به نوعی بعد از «از شنبه» دومین تجربه شما در حوزه تهیه کنندگی است؛ اول به این سوال جواب بدهید که چرا همه افرادی که اجرا می‌کنند، بعد از مدتی سراغ ساخت برنامه و اساساً تهیه کنندگی می‌روند؟

نمونه‌های زیادی در این باره وجود دارد که می‌توان به احسان علیخانی، رضا رشید پور، فرزاد حسنی و... اشاره کرد. این افراد مجری که به این سمت کشیده می‌شوند، معمولاً آدم‌های خلاق هستند. وقتی فرد فقط مجری یک برنامه باشد، بسیاری از ایده‌هایش قابلیت اجرایی پیدا نمی‌کند، اما اگر تصمیم گیرنده نهایی باشد، شاید اجرای این ایده‌ها درصد بالاتری پیدا کند. به همین دلیل است که

مجری‌ها بعد از مدتی سراغ ساخت برنامه می‌روند. با توجه به تجربه «از شنبه» و «دوربرد» فکری کنید اجرا سخت‌تر است یا تهیه کنندگی؟ به نظر من تهیه کنندگی یک کار بسیار سخت و پیچیده‌تر از اجرا است. البته من زمان زیادی است که اجرا را انجام داده‌ام و تجربه بالاتری هم دارم اما به نظر تهیه کنندگی و به طور کلی برنامه‌سازی، تجربه بسیار سخت و طاقت‌فرسایی بود.

در حال حاضر اجرا برای شما اولویت دارد یا ساخت برنامه؟

در حال حاضر برنامه‌سازی برایم اولویت بالایی دارد، به این دلیل که در برنامه‌سازی می‌توانیم خیلی از کارها را انجام دهیم. من خیلی وقت‌ها ایده‌هایی داشتم اما به دلیل مشکلات مالی که یک تهیه کننده با آن درگیر بوده و به نوعی نگاهش بیشتر مالی بوده است، نتوانستم آن را اجرایی کنم و جلوی آن خلایقیت و ایده گرفته شد. در اجرا، معمولاً مجری خیلی در تصمیم‌گیری‌ها دخالتی ندارد، در صورتی که خیلی از مجری‌ها خلایقیت بالایی دارند اما به همین دلیل

### تجربه اجرا در «سلام صبح بخیر»

برنامه صبحگاهی مشکلات خاص خودش را دارد. شما همین الان اگر به مجریان این برنامه زنگ بزنید و پرسید سخت‌ترین برنامه‌ای را که تا حالا اجرا کرده‌اند چه بوده شک دارم که جز «سلام صبح بخیر» نام دیگری را ببرند. این سختی برای من خیلی مضاعف بود، به این دلیل که دوستان قبل از من چند ماه سابقه اجرا در این برنامه را داشتند و از طرفی مشکلی که من خیلی با آن مواجهم، سحرخیزی است! من سال‌هاست که برنامه‌ریزی برای سحرخیزی ندارم. شاید باور نکنید اما من به چند مجری که سابقه اجرا در این ساعت روز را داشتند، زنگ زدم و گفتم برای سحرخیزی باید چه کار کنم؟ مشکل اصلی من این بود که بعد از مدتی احساس می‌کردم کند ذهن شده‌ام. فکر می‌کنم راندمان مغزی من کاملاً دچار تغییر شده بود.

که گفتم، آنها را نمی‌توانند اجرایی کنند. البته من درباره تهیه کننده‌هایی که کار گذشته و با تجربه هستند صحبت نمی‌کنم و منظورم کسانی است که بدون گذراندن یکسری مراحل و به صورت آسانسوری رسیده‌اند به شغل تهیه کنندگی.

اگر «دوربرد» نتواند مخاطب خودش را جذب کند، باز هم به تهیه کنندگی ادامه می‌دهید؟

من هیچ وقت نگرانی این مساله را نداشتم که مردم برنامه را دوست نداشته باشند و اساساً از این موضوع مطمئن بودم که سراغ ساخت «دوربرد» آمدم. اما این مساله که این برنامه جریان‌ساز باشد و تبدیل به برنامه‌ای ماندگار شود، مرحله‌ای است که من دنبال رسیدن به آن هستم.

ما در سال‌های اخیر برنامه‌هایی با این فرم کم نداشته‌ایم. «دوربرد» با این مدل برنامه‌ها که اتفاقاً در شبکه سه هم پخش می‌شدند چه تفاوتی دارد؟ قرار است مخاطب با دیدن این برنامه به چه مساله‌ای برسد؟ به نظر من فراتر از یک برنامه تلویزیونی عمل کرده‌ایم؛ به طور مثال ما بخشی در برنامه داریم که از مردم می‌خواهیم از پیچ‌های خطرناکی که در جاده‌ها و حتی در شهرها وجود دارد و به طور کلی تصادف‌های زیادی در آنجا اتفاق می‌افتد برای ما عکس یا فیلم بگیرند و ارسال کنند. بعد از ارسال این تصاویر از سمت مردم، ما تیم پیگیری خود را به آن محل ارسال می‌کنیم؛ به طور مثال تیم پیگیری ما همین الان برای پیگیری یکی از همین گزارش‌های مردمی در زنجان است. ما مدام فکر می‌کنیم که تنها با گفتن این حرف که «مردم آرام رانندگی کنند» نمی‌توانیم مشکلات رانندگی را برطرف کنیم. به این محل‌ها رفتیم و دیدیم خیلی از این مشکلات، اصلاً نیازی به بودجه‌های زیاد مالی ندارد. گاهی مشکلات با گذاشتن یک سرعت‌گیر و ابزارهایی از این دست حل می‌شود. ما تلاش می‌کنیم در «دوربرد» مشکلاتی را که مخصوصاً در جاده‌ها و شهرها برای رانندگی وجود دارد حل کنیم تا تعداد کسانی را که از دست می‌دهیم کمتر شود و امیدوارم به این هدف برسیم.

شما سابقه اجرای برنامه‌های مختلف با سبک‌های متنوع را داشته‌اید؛ سلیقه خودتان کدام سبک است و فکری می‌کنید در کدام حوزه، بیشتر پذیرفته شده‌اید؟ وقتی اسم خودمان را «مجری» می‌گذاریم، یعنی توانایی اجرای برنامه‌های مختلف را داشته باشیم؛ یکی از دلایلی که من برنامه‌های مختلف با سبک‌های مختلفی را اجرا کرده‌ام، همین موضوع است و این که حس می‌کنم توانایی آن را هم داشته‌ام. اما علاقه و احساس من درباره مفید بودن کدام یک از این ژانرها، برنامه‌ای با سبک «ویدئو چک» است؛ به این دلیل که آدم‌ها، هرچقدر به کاراکتر واقعی خودشان نزدیک‌تر شوند، بین مردم بیشتر پذیرفته و قابل قبول‌تر خواهند شد.

من توانایی برنامه‌هایی با سبک‌های مختلف را دارم و به طور مثال، با توجه به سابقه‌ای که دارم، می‌توانم برنامه‌ای ادبی اجرا کنم اما به نظر من اجرای این دست برنامه‌ها، کمی از حال و هوای من دور است؛ واقعیت من این است که مسائل تلخ یا پیچیده‌ای که مثلاً در ورزش وجود دارد را با زبانی طنز برای قشری که خیلی وقت و حوصله پرداختن به آن را ندارند، قابل فهم‌تر کنم.

وقتی می‌گوییم یک برنامه تخصصی است، همه نگاه‌ها به این سمت می‌روند که قرار است درباره مساله‌ای خیلی خاص صحبت کنیم که تعداد محدودی هم درگیرش هستند. ولی وقتی از «رانندگی» صحبت می‌کنیم، به نوعی داریم درباره مساله‌ای حرف می‌زنیم که همه ما درگیرش هستیم. فرقی هم نمی‌کند که پیر باشیم یا جوان، مرد باشیم یا زن، قطعاً همه ما با این مساله درگیر هستیم و نمی‌توان گفت این مساله شخصی است و به طور کلی با این مساله ارتباطی نداریم.

با توجه به صحبتی که درباره عمومی بودن برنامه